03

ندا

نشریه‌ی دگرباشان ایرانی
سال اول - شماره‌ی سوم
اسفندماه خورشیدی ۱۳۸۷
March 2009

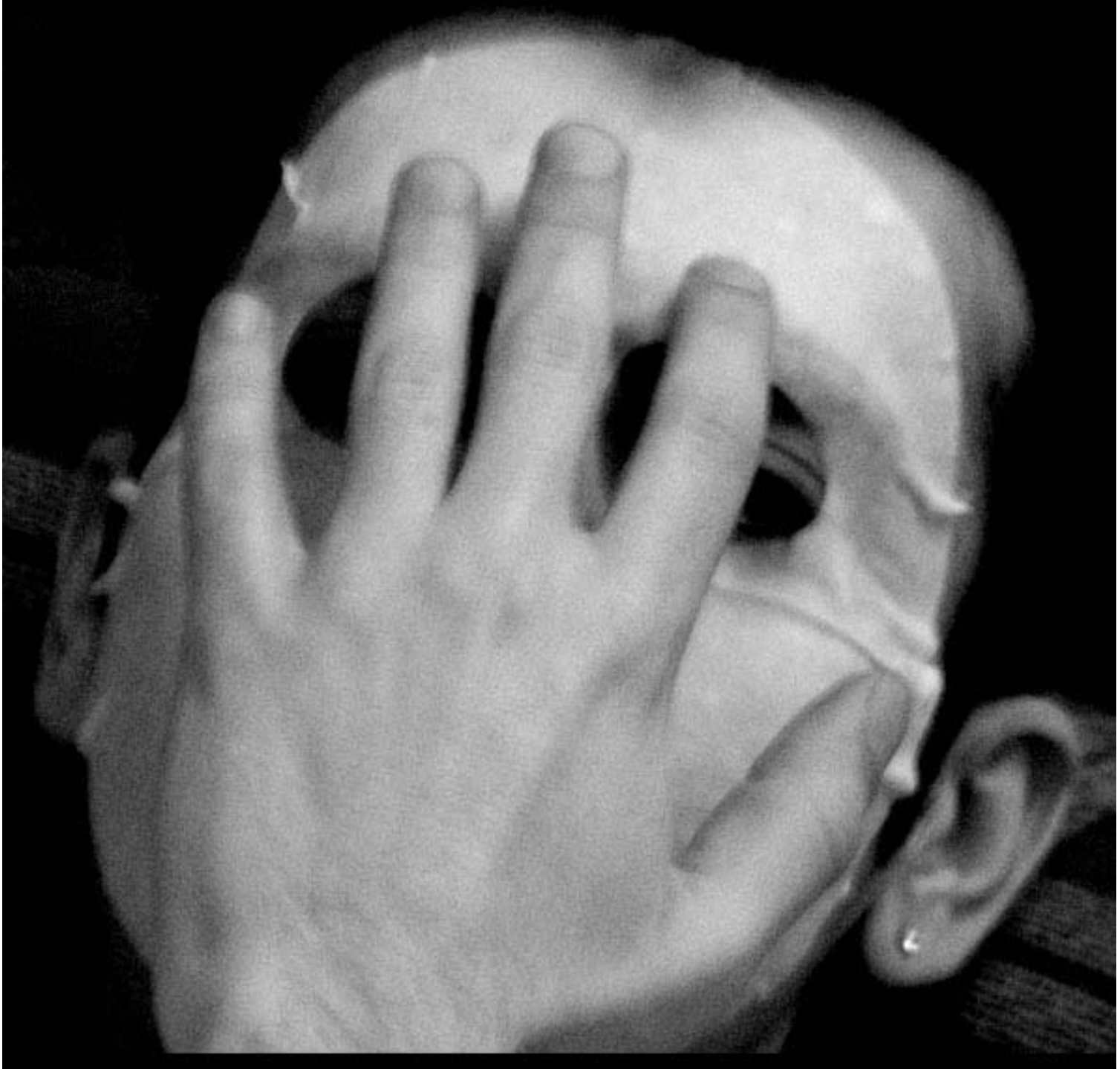

سخن اول، آرشام پارسی 2

دگرباشان در یهودیت، ترجمه از سامان 4

انزال و ارگاسم، س 7

مصائب من، آرشان ر. 9

گروه اقلیت و مدیریت تفرقه، آرشام پارسی 12

یک همجنسگرا: من هم حق دارم، پارسا 14

مفاهیم اولیه درباره بیماریهای مقاربتی، کیوان 16

اطلاعات اولیه برای پناهجویان در ترکیه 19

پاسخی برای مطلب "پیشنهاداتی برای آینده ی جنبش دگرباشان" 22

ما هستیم، امید 24

شورای حقوق بشر همجنسگرایان ایرانی اعلام موجودیت کرد 27

رسانه ها 29

نشریه ی ن د ا

سال اول

شماره ی سوم

مارچ 2009

صاحب امتیاز:

سازمان دگرباشان ایرانی – IRQR

www.irqr.net

مدیر مسئول نشریه: آرشام پارسی

عکس روی جلد: آراد

طرح روی جلد: پوپک

آدرس وب سایت:

www.nedamagazine.net

آدرس پست الکترونیکی:

info@nedamagazine.net

ن د ا تلاش می کند تا فضایی فراهم آورد تا دگرباشان و غیردگرباشان ایرانی بتوانند نظرات خود را به صورت آزاد بیان کرده و موضوعات را به چالش بکشند. بنابراین مطالب منتشر شده در ن د ا نظر نویسنده ی آن است و لزوما منعکس کننده ی دیدگاه گردانندگان نشریه نیست.

سخن اول

آرشام پارسی

ما همجنسگرایان، دوجنسگرایان و دگرجنسگونگانی که در ایران متولد و بزرگ شده ایم به خوبی می دانیم که زندگی یک دگرباش در ایران چگونه است.

بی مقدمه و بدون تکرار مکررات می خواهم اعتراض کنم. به شما، به جامعه ی غیردگرباش ایرانی داخل و به ویژه خارج از ایران. دست از نادانی و حماقت بردارید. حقوق دیگران را به رسمیت بشناسید تا حقوقتان به رسمیت شناخته شود.

تمام تلاش تان را به کار گیرید تا شاید بتوانید تابوهای دیکته شده ی زندگی تان را برای چند ساعتی هم که شده کنار بگذارید. خودتان را جای یک دگرباش ایرانی تصور کنید. از وقتی که از تخت خواب بیرون می آیید، در خانه، مدرسه، محل کار، کوچه و خیابان، و تا وقتی که باز دوباره به تخت خواب بر می گردید ناچار هستید ماسکی به صورت داشته باشید تا مبادا راز زندگی تان فاش شود. باید هنرپیشه ی چیره دستی باشید. این بازی تنها جلو دوربین های سینما و یا روی استیج تئاتر ها نیست. آنچنان نقش بازی می کنید و در آن غرق می شوید که گاهی یادتان می رود بازیگرید یا بازیچه!

انکار سراپای وجودتان را فرا می گیرد. "نه، من همجنسگرا نیستم!"، "چی؟ همجنسگرا؟ اون وقت این یعنی چی؟"، "همجنسگرا؟ من؟ گم شو من دوست دختر/پسر دارم!"، "من زن/شوهر دارم، این کارها از من گذشته!"، و صدها جمله ی مشابه که گوینده و شنونده هر دو می دانند حقیقت ندارد و باید فقط انکار کنند چون در غیر این صورت مشخص نیست چه اتفاقی خواهد افتاد. شاید (به اصطلاح) دوستانتان نخواهند دیگر شما را ببینند، شاید تلفنتان را بی جواب بگذارند، شاید از خانواده طرد شوید، شاید همسرتان تقاضای طلاق کند، شاید و هزاران شاید دیگر که پیش بینی آن ها را به خودتان واگذار می کنم.

با این شرایط شاید تصمیم بگیرید که به دیگران بگویید. اما شاید با آشکارسازی کردن مشکل تان حل نشد و محدودیت های بیشتری برایتان به وجود آمد. شاید سر و کارتان با درمان و شوک های الکترونیکی بیافتد. شاید اگر قبلن برای شام با دوستان بیرون می رفتید از آن پس نگذارند که تنها جایی بروید مبادا...

می ترسید. نه؟

شاید تصمیم بگیرید که ساکت بمانید اما شما هم آدم هستید و حق زندگی کردن دارید. چرا دیگران می توانند با دوست دختر/پسر شان بیرون بروند و شما نمی توانید؟ چرا باید همیشه موش و گربه بازی کنید. مگر دست شما بوده که دگرباش هستید؟ مگر هیچوقت تصمیم گرفته اید که این گرایش را انتخاب کنید؟ مگر دیوانه هستید که زندگی ای را انتخاب کنید که توام با استرس و فشار و سختی است؟

افسرده و غمگین می شوید. نه؟

شاید تصمیم بگیرید که تغییری در زندگی تان ایجاد کنید. مثلن مهاجرت. امیدوار هستید که اگر به کشور دیگری بروید مشکلاتتان حل خواهد شد. آنجا مردم روشن فکر هستند (هاهاهاها)، شما را درک می کنند، می توانید با شریک زندگیتان آنطور که دوست دارید زندگی کنید. وقتی کسی سال ها در غرب زندگی کرده باشد خب این مسئله برای او جا افتاده است و می تواند من را درک کند. (باز هم هاهاهاها)

امیدوار هستید. نه؟

مهاجرت می کنید و تمام سختی های آن را تحمل می کنید. اما می بینید که ایرانیان ساکن خارج از کشور فقط مهاجرت کرده اند و همان افکار

خشک و عقب مانده شان را سال ها با اسم پاسداری از ارزش ها نگه داشته اند و نمی خواهند کوچکترین تغییری در آن بدهند. هنوز احمق هستند. آنجا معمولن همه مهاجرتی و آن هم از طریق سرمایه گزاری آمده اند. هیچ کس پناهنده نیست. پناهندگی بد است و مال بدبخت هاست و همیشه در آخر جمله هایشان می گویند " آخی، طفلکی، گناه داری تو". نمی خواهند باور کنند که تفاوت مهاجرت و پناهندگی فقط اسم آن است. تا مشکل نداشته باشی دست به نقل مکان نمی زنی. این سوال که مهاجرتی آمده ای یا پناهنده ای و یا چه مشکلی در ایران داشتی خیلی مرسوم است. بالاخره بعد از مدتی می فهمید که اکثر اعضای جامعه ی ایرانی اینجا هم اگر بدتر از داخل نباشند، بهتر هم نیستند. اگر بفهمند دگرباش هستید راحت نیستند که برایشان کار کنید، خانه شان را اجاره کنید، از فروشگاهشان خرید کنید و ...

چه کار باید بکنید؟

پاسخش راحت است. باز هم همان ماسک. تازه دستتان را هم باید روی ماسک بگذارید تا نفهمند ماسک زده اید. چون خواهند پرسید چرا ماسک زدی؟ مگر خبری است؟

مشکل کجاست. من یا توی دگرباش و یا جامعه ی غیردگرباش؟

فکر می کنم دوست ندارید خودتان را بیشتر از این جای یک دگرباش بگذارید. اشکالی ندارد. کافی است.

اما بد نیست باز هم اعتراض کنیم. به همه ی فضولی ها، دخالت های بی جا، سرک کشیدن در زندگی خصوصی مردم، خودبرتربینی ها، دگرباش ستیزی ها و همه ی چیزهایی که می دانیم بد است اما آنها را انجام می دهیم چون خواهی نشوی رسوا همرنگ جماعت شو.

خب نشو. اگر واقعن از این شرایط ناراحت هستید و آن را ناعادلانه می دانید فکر می کنم از همین امروز می توانید از خودتان شروع کنید.

دگرباشان در یهودیت

ترجمه از سامان

تاریخ یهودیت به هزاران سال قبل باز می گردد. یهودیت فرقه های مختلفی دارد و معتقدین به این دین تقریبا راجع به هر موضوعی می توانند عقاید متفاوتی داشته باشند. به نظر می رسد برای درک موقعیت دگرباشان در این مذهب می بایست از فرقه های متفاوتی که در این دین وجود دارد آگاه شد.

قوم یهود از لحاظ نژادی به چند گروه عمده تقسیم می شوند: *سفارادی* (که ریشه های خود را در اسپانیا، پرتقال، شمال آفریقا و خاورمیانه می دانند)، *اشکنازی* (که نیاکان اصلی خود را در آلمان و اروپای شرقی می جویند)، *یمنی* (که معتقدند نیاکانشان از سرزمین مقدس هستند)، *یهودیان اتیوپی / بتا ایزرائیل / فالاشا* (از اتیوپی) و در آخر یهودیانی که در آسیا و به خصوص در چین، هندوستان و آسیای مرکزی زندگی کرده اند. طبیعی است این تفاوت های نژادی خود باعث وجود دیدهای متفاوتی راجع به متون مقدس در میان یهودیان شده است.

علاوه بر این برخی تفاوت های فرقه ای هم وجود دارند. عموم این فرقه ها در جوامع یهودیان آمریکا و کانادا به وجود آمدند و بوسیله مهاجرانی که از کشور آمریکا می آمدند به اسرائیل هم منتقل شدند: جایی که داشتن پیش زمینه اشکنازی خود یک ارجحیت به شمار می رود

فرقه های یهودیت

فرقه های اصلی به این ترتیب هستند : *ارتدکس، محافظه کار، رفرمیست* و *نوساز.*

نهضت *ارتدکس* نوعی یهودیت است که تمامی فرامین و دستورات متون سنتی یهودی (تورات و تلمود) را رعایت می کند. این فرامین شامل سنت های مربوط به تعطیلیها و شباث (روز شنبه) و حتی رژیم های غذایی می شود. در خود نهضت ارتدوکس هم گروه های کوچکی وجود دارند مانند ارتدکس ملایم که به دنبال رعایت دستورات اما در جامعه ای مدرن است و حاسیدیسم که پیروان آن لباس های قرن 18 اروپای شرقی را به تن می کنند و با موسیقی و شوقی دیوانه وار به پرستش می پردازند.

نهضت *محافظه کار* معتقد به پیدا کردن نوعی میانه روی میان یهودیت سنتی و نیازهای جامعه مدرن است. برای مثال این نهضت به رژیم های غذایی خاص، استفاده از زبان عبری برای آموزش و پرستش و پاسداری از آیین های سنتی پرستش است اما در عین حال به مردم اجازه می دهد در روز شباث از ماشین و وسایل الکتریکی استفاده کنند یا معتقد به تساوی حقوق زن و مرد است.

نهضت *رفرمیست* به اهمیت تصمیمات شخصی افراد راجع به دستورات و رعایت های خاص بها می دهد و نیاز برای تغییر مداوم و بازنگری در اعمال و اعتقادات با گذشت زمان را به رسمیت می شناسد.

نهضت *نوسازی* به متافیزیک در یهودیت اهمیت خاصی می دهد. این حرکت متون مقدس را نوشته ی انسان های مثل ما میداند و نه یک قدرت مافوق. باور ندارد هرچه در این متون هست واقعا اتفاق افتاده باشد و همچنین با این ایده که یهودیان قوم برگزیده خدا هستند مخالف است. با این وجود، این حرکت معتقد است بعضی از سنت ها نظیر رژیم غذایی ارزش پاسداری را دارند.

علاوه بر این فرقه ها، گروه های کوچک تر و ناشناخته تری هم وجود دارند مانند گروه *کارائیت* که معتقد به تفسیر های خاخام های یهودی از تورات نیست و گروه *اومانیست* که دیدی سکولار به فرهنگ یهودیت دارند و به متون مقدس به چشم متونی ادبی نگاه می کنند که باید مورد مطالعات ادبی قرار گیرد.

یهودیت و دگرباشان جنسی

با وجود این تنوع زیاد میان اعمال مذهبی و اعتقاداتی که در یهودیت دیده می شود، از کجا شروع کنیم تا از نظر یهودیت راجع به دگرباشان جنسی مطلع شویم؟ فرقه های مختلف عقاید متفاوتی راجع به دگرباشان دارند گروهی آنها را وارد جوامع خود می کنند و گروهی نیز به نوعی مدارا با فعالیت های جنسی همجنسگرایان معتقدند.

تنها جایی که در تورات به فعالیت جنسی همجنس گرایانه اشاره می شود در سفر لویان باب 18 آیه 22 است: "با مردان آنگونه که با زنان همبستر می شوی همبستر مشو زیرا که عملی پلید است" این جمله به فعالیت های جنسی میان زنان اشاره ندارد. اگرچه این جمله همجنس گرایی را محکوم می کند اما تنها یک جمله در میان کل جمله های تورات است. تفسیر های متعددی به جز نوع ارتدکس آن، بسیاری از تک جمله های تورات را مربوط به سنت های پیشا یهودی می داند که باید با دانش مدرنی که از این متون داریم مورد بازبینی قرار گیرند. علاوه بر این واژه عبری که پلید ترجمه شده *To'eve* می باشد که در موارد دیگر نیز استفاده شده نظیر منع خوردن حلزون صدف.

نهضت ارتدوکس با دید صریحی که نسبت به متون مقدس دارد، همجنس گرایی را عملی غیراخلاقی می داند. آموزش های این فرقه فعالیت های جنسی همجنسگرایان را محکوم می کند اگرچه فعالیتهای جنسی لزبین ها در طول تاریخ تاکید کمتری داشته است.

طبق آموزه های ارتدکس پذیرش دینی یک فرد همجنس گرا ممکن نیست. با این وجود در تفکر ارتدوکس همجنس گرایی یک گناه شخصی است و فرد گناهکار خود تاوانش را خواهد پرداخت. بسیاری از جوامع مذهبی ارتدکس از سیاست "گناهکار را دوست داشته باش ولی از گناه نفرت داشته باش" را دنبال می کنند اگرچه با دادن بسیاری از حقوق ها نظیر حق ازدواج رسمی و حق تساوی در موقعیت های شغلی به همجنس گرایان مخالفند.

محافظه کاران معتقدند همجنس گرایی یک گناه است اما این تفسیر مذهبی را از تفسیر و نگاه سیاسی خود جدا می کنند. این گروه از حقوق شهروندی برای همجنس گرایان دفاع می کند و دگرباشان به راحتی در جوامع مذهبی، گروه های جوانان و مدارس پذیرفته می شوند.

در میان محافظه کاران اینکه افراد دگرباش بتوانند پست های مدیریتی یا معلمی بگیرند بستگی به نظر آن جامعه مذهبی خاص دارد اگرچه برای مثال تمامی جوامع محافظه کار مخالف با وجود مراسم ازدواج محضری همجنس گرایان هستند. اگر افراد دگرباش بخواهند وارد حوزه های روحانیت یهودی بشوند مجبورند از سیاست "به کسی نگو" پیروی کنند. بدین ترتیب افرادی که همجنس گرایی خود را در جامعه اعلام کرده اند برای پست های روحانیت انتخاب نخواهند شد. اگرچه اگر کسی بتواند وارد شود هیچوقت او را به هر دلیل بیرون نخواهند انداخت. مهم است به یاد داشته باشیم این تغییرات در سال 1992 انجام شده و می تواند به کلی تغییر کند زیرا نهضت محافظه کار مشکلی با تغییر سیاست های خود ندارد.

البته باید به یاد داشته باشیم در میان معتقدین به یک فرقه هم در سطح جهانی توافق نظر وجود ندارد. نظریاتی که در تا این قسمت ارائه کردیم در واقع نظریات سازمان ملی رابی های امریکا، اتحادیه ارتدوکس ها، کنیسه متحد یهودیان محافظه کار، اتحادیه جماعت های مذهبی عبری (رفرمیست ها) و فدراسیون یهودیان نوساز هستند.

هیچکدام از نهضت های رفرمیست و نوساز مشکلی با روحانیت همجنس گرا ندارند. در سال 2000 قانونی به این قرار وضح شد که روحانیون یهودی را آزاد می گذاشت تا انتخاب کنند آیا مایل به اجرای مراسم ازدواج محضری همجنس گرایان هستند یا خیر. نهضت نوساز علاوه بر ازدواج محضری از ازدواج همجنس گرایان درکنیسه هم طرفداری می کند.

بسیاری از یهودیان، روحانیون و جوامع مذهبی خاص با تصمیمات گروهی نهضت های مختلف مخالفند و به روش خود عمل می کنند. خیلی بعید است که یک جامعه مذهبی خاص یا یک روحانی به خاطر این مخالفت از بالا مورد انتقاد قرار گیرد و افراد هیچگاه به خاطر تفاوت عقیده خود از جامعه ی یهودی خود اخراج نمی شوند.

برای مثال، جوامع مذهبی هستند که مانند محافظه کاران سنتی عمل می کنند اما خاخام هایی دارند که مایل به اجرای مراسم عقد محضری هم هستند. ثانیا بعضی سران ارتدوکس از موضع سفت و سخت جامعه ارتدوکس فاصله می گیرند. برای مثال متخصص امور جنسی مشهور ارتدوکس، شمولی بوتیاخ اگرچه از خطا بودن همجنسگرایی نمی گذرد اما معتقد است تاکید بی جا بر همجنس گرایی به عنوان نوعی پلیدی و عمل زشت دیگر زیاده روی است.

نهضت ارتدوکس به تازگی مورد انتقاد شدیدی قرار گرفته است زیرا در هولوکاست افراد دگرباش هم سرنوشتی شبیه یهودیان داشتند. بسیاری از یهودیان فکر می کنند این تاریخ مشترک باید باعث شود آنها نسبت به حقوق شهروندی برای همجنسگرایان بیشتر همدلی کنند.

استقبال گرم از همجنس گرایان

در آخر باید گفت هستند بعضی از جماعت های مذهبی که استقبال گرمی از همجنس گرایان می کنند. بیشتر از جماعت ها متعلق به فرقه یا گروه خاصی نیستند و به انواع و اقسام پرستش و عبادت اجازه وجود می دهند زیرا که اعضای این جماعت ها پیشینه های بسیار متفاوتی از یکدیگر دارند. البته در این میان بعضی جماعت های رفرمیست یا نوساز نیز وجود دارند.

در میان مشهور ترین این جماعت ها یکی بت سیمخات تورا در نیویورک است که در سال 1973 ایجاد شد و دیگری اتز خائیم در فلوریدای جنوبی که در سال 1974 ساخته شده است. ار خادش در شیکاگو (1976)، بت اهوا در فیلادلفیا، کشت شالوم در تورونتو و شعر زهو در سان فرانسیسکو (1977) از مثال های دیگر هستند.

انزال و ارگاسم

س.

یکی از موارد بسیار سوال برانگیز برای مردان مسئله ی انزال زودرس در آنان می باشد. این مسئله گاه می تواند آن چنان فرد را تحت فشار قرار دهد که مشکلات دیگری از قبیل روان پریشی را بروز دهد.

لذت جنسی در مردان را می توان به سه مرحله پیش انزال، انزال و ارگاسم تقسیم کرد. مرحله ی پیش انزال زمانی است که فرد به اصطلاح حس می کند که آلتش برای خارج کردن اسپرم از بدن آمادگی دارد. در این مرحله نقاط حساس در طول آلت و همچنین فشار روانی در فرد کاملن بالا می رود. در مرحله ی انزال اسپرم از بدن خارج می گردد و این مرحله به دلیل تمرکز فیزیکی و فکری بر روی نقاط حساس در مرحله ی پیش انزال صورت می گیرد. انزال می تواند کامل و یا ناقص باشد و این همان مرحله ای است که گاهی آقایان از آن فرار می کنند.

مرحله ی سوم ارگاسم است. ارگاسم مرحله ای است که افراد به خاطر آن رابطه ی جنسی را برقرار می کنند. ارگاسم و انزال دو مورد کاملن مجزا از یکدیگر هستند. این دو مرحله می تواند بدون یکدیگر اجرا شود. ارگاسم هم می تواند همانند مرحله ی انزال کامل و یا ناقص باشد. این مرحله یکی از مواردی است که خانم ها از نظر کیفی در آن خیلی موفق تر از آقایان هستند. به زبان ساده تر ارگاسم در خانم ها خیلی کاملتر از آقایان صورت می پذیرد چون زن ها قدرت آزاد سازی خود را به راحتی دارا می باشند. به همین دلیل گاهی می شنوید که فلان زن در صورت ارگاسم شدید لحظاتی اصلن از حال می رود. اما در مردان به خاطر اینکه از نظر شخصیتی قصد کنترل بر همه چیز را دارند هیچ گاه ارگاسم کاملی صورت نمی گیرد. متاسفانه چون آقایان حتی در طول رابطه ی جنسی نیز مجبور هستند که انزال و ارگاسم را کنترل کنند هیچ گاه نمی توانند به لذت بیشتر از شصت درصد دست یابند.

از سوی بعضی از مردان عنوان می شود که آنها در مدت کمتر از یک دقیقه به انزال می رسند و این برای آنها ناراحت کننده است. دلیل اصلی این است که فرد هنوز به ارگاسم نرسیده و انزال برای وی نشان پایان رابطه خواهد بود. اگر انزال و ارگاسم در مردان همزمان اتفاق می افتاد مسلمن همین زمان کوتاه برای بدست آوردن لذت کافی بود ولی به دلیل وجود این فاصله دیگر چنین امکانی شدنی نخواهد بود. ارگاسم کاملن موردی ذهنی و روانی می باشد و زندگی و تکنولوژی بشری نتوانسته در آن کاملن دخالت کند. ارگاسم در یک فرد بومی خیلی راحت تر و شیرین تر و کامل تر از فردی است که در شهر زندگی می کند. بعضی از این محیط زیستی ها دلیل آن را هوا و غذای سالم می دانند. اما می تواند درست نباشد چراکه این موارد در کیفیت انزال نقش دارد و نه در مورد ارگاسم.

ارگاسم یک مورد کاملن روانی است و هیچ ارتباطی به موارد یاد شده ندارد. در صورت رعایت اصول و موارد بالا اگر بخواهیم ارگاسم را در مردان مثل تعاریف قدیمی مرحله ی انزال ندانیم، تعریف ارگاسم در مردان چیز بسیار سختی می گردد. می توان تعریف ارگاسم در مردان را زمان دست یابی به رفتارهای جنسی فرد دانست و بر خلاف زنان این زمان نیز مقطعی نیست. هر چقدر که مرد در طول رابطه به این رفتارها بیشتر دست پیدا کند رضایت و ارگاسم بهتری خواهد داشت. در مردان حتی تحرک و خود عمل فیزیکی رابطه نیز بخشی از ارگاسم آنان تلقی می گردد و برای همین است که مردان عمومن انتظار دارند که بتوانند زمان طولانی در حال رابطه باشند و به اصطلاح شریک جنسی خود را زیر و رو نمایند. نقطه ی قابل ادراک از این مسئله این است که با توجه به توضیحات بالا افراد مسلمن درجه ی ارگاسم متفاوتی از یکدیگر خواهند داشت. توضیح کاملتر اینکه

فتیش، زندگی شخصی و کاری، رشد جنسی، خودارضایی، سن، آب و هوا و بسیاری از چیزهای دیگر در تشکیل درجه ی ارگاسم فرد نقش اساسی دارند و این درجه در هر فرد نسبت به فرد دیگر متفاوت است و دارای مزیت بر دیگری نیست.

یکی از نارضایتی افراد این است که همسر آنها هر شب کنارشان می آید و رابطه در سه سوت شروع شده و پایان می گیرد. با انزال هم همه چیز پایان می پذیرد. کابوسی که آقایان به شدت با آن دست به گریبان هستند انزال هر شب آنها و دست نیافتن به رفتارهای دلخواه جنسی ارگاسم است. در نتیجه برای تشنگی جنسی رفع نشده و حتی تشدید شده، باید دوباره در اولین فرصت تلاش کنند که نتیجه قطعن چیزی جز موارد قبل نخواهد بود. عامل مهم افراط در خودارضایی نیز از همین جا نشات می گیرد چرا که در واقع خودارضایی یک مرحله ی ابتدایی تشکیل خواست ها و احساسات جنسی می باشد و شناخت فرد از چگونگی پاسخی که می طلبد. اما به دلیل عدم دسترسی به روابط جنسی این عامل جایگزین خود رابطه می گردد و سعی در پاسخگویی پیدا می کند. مسلمن هم نمی تواند پاسخگوی کاملی باشد و در آن انزال و ارگاسم ناقص به چشم می خورد. ارگاسم ناقص فرد را به سمت انزال دوباره خواهد کشید و نتیجه اینکه حتی می شنوید فردی چند بار در روز خودارضایی می کند.

حرارت و نحوه یرفتار جنسی شریک جنسی در ارگاسم نقش بسیار مهمی دارد. شناسایی این رفتارها نیز یکی از چیزهایی است که همه باید در انجام آن تلاش کنند. اینکه در رابطه ی جنسی شرکت کنیم و همه چیز را تمام شده بدانیم حماقتی است که بهای آن را در زندگی خواهیم پرداخت. ارگاسم ناقص موردی است که معمولن مردان را عصبانی می کند اما به شرکای جنسی شان نخواهند گفت چراکه خودشان هم شاید دلیل آن را ندانند.

پس در رفتارها دقیق شوید. اگر شریک جنسی شما دارای خلقی بد و متفاوت با گذشته پیدا کرده است، اگر با کوچکترین حرفی از کوره در می رود و اگر نسبت به گذشته در زمینه ی انجام روابط جنسی بی تمایل و یا کم تمایل شده، اگر ترجیح می دهد بیشتر زمان خود را در سر کار بگذراند و کمتر با شما در ارتباط باشد، اگر شما دلیل خاصی برای این رفتارها تا به حال پیدا نکرده اید کمی بیشتر سطور بالا را بخوانید و بیاندیشید. شاید اشکال از شماست.

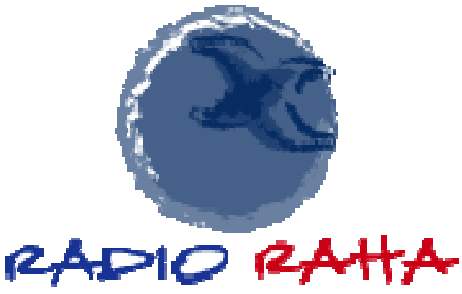

رها، رادیو همجنسگرایان ایرانی

را هر پنجشنبه بشنوید

www.radioraha.net

مصائب من

آرشان ر.

Bacheyeh.mahal@Gmail.com

اگر بخواهم در مورد مشکلات اقلیتهای جنسی در ایران سخنی بگویم تصور می کنم تکرار مکررات کرده ام. اگر چه سرگذشت هر کدام از ما همجنسگرایان ایرانی در سرزمین مادریمان جای بسی تامل و تفکر دارد و به قول هر شنونده ای شاید روزی تبدیل به کتاب و یا فیلمی درخور توجه گردد.

بعد از اتفاقات چند سال اخیر، از جمله اعدام، آزار و اذیت، شکنجه و گرفتار کردن همجنسگرایان ایران که رسانه های داخلی و خارجی را تحت الشعاع خود قرار داد، شاهد هجوم و پناهنده شدن بی سابقه همجنسگرایان ایرانی برای نجات جان خود و پیداکردن روزنه امیدی برای آینده خود بودیم.

طبق دیده ها و شنیده ها کشور ترکیه یکی از پناهنده گیرترین همسایگان ایران است که پناهجویان زیادی مخصوصا ایرانی و عراقی را به دلایل اجتماعی، سیاسی، مذهبی و همچنین همجنسگرایی در خود جای داده است.

البته شایان ذکر است که، باز هم تعداد افرادی که به علل جنسی به ترکیه پناه آورده اند سهم بسیار کوچکی از پناهندگان ترکیه را شامل می گردند. حتی با درنظرگرفتن بیشتر شدن پناهندگان همجنسگرای ایرانی که در بین سالهای 2008 – 2005 در بین موج خفقان، تهدیدات و اعمال فشارها به این اقلیت در کشور خود ایران به سازمان ملل ترکیه خود را معرفی نمودند.

شاید کمتر در جای جای این کره خاکی شاهد پناهنده شدن این تعداد (هرچند به ظاهر کم) به کشور دیگری باشیم.

بیشتر کشورهای آسیایی سعی در همخوان کردن قوانین داخلی و رفتار خود با این اقلیت را دارند. مثال بارز این مساله کشور چین می باشد که ازسال 2001 با وجود داشتن جامعه ای سنتی دست به این کار زد و همجنسگرایی را از لیست بیماری های خود حذف و حقوق آنان را به رسمیت شناخت.

سریلانکا، لبنان، ترکیه و مصر از لحاظ فرهنگی و مذهبی و زیرساختهای اجتماعی شبیه جامعه ایران هستند، اما همجنسگرایان این کشورها هم در راه گرفتن حقوق قانونی خود برآمدند. شاید اقلیت جنسی همجنسگرایان این کشورها دارای حقوق شهروندی مانند دیگر شهروندان نباشند اما مخالفت علنی نیز با آنها نمی شود و حد اقل کلوپ و بارهای خود را دارا می باشند.

با این مقدمه بد نیست سری به کشور ترکیه و پناهندگان آن بزنیم.

ابتدا در مورد ترکیه این را بدانید که هرچقدر بیشتر در آن زندگی کنید به شباهت های آشکار و پنهان ریشه ای آن از لحاظ فرهنگی و سنتی با ایران پی خواهید برد.

جمهوری ترکیه کشوری با 71.517.100 نفر جمعیت و از این لحاظ در رده هفده ام دنیا قرار دارد که 99.8% از این جمعیت را مسلمانان عموما سنی تشکیل میدهند. از لحاظ وسعت، کشور ترکیه با 783.562 کیلومتر مربع کشور سی و هفتم دنیا است (1).

شعار ملی آنان جمله (Peace at Home, Peace at World) صلح در خانه، صلح در دنیا می باشد.

این شعاری بود که مصطفی کمال پاشا بنا نهاد. ترکیه راه ترقی و مدرنیته را در سال 1923 شروع کرد. آنجا که مصطفی کمال پاشا که بعد ها به نام آتا ترک (پدر تمامی ترکها) ملقب شد امپراتوری بزرگ عثمانی را در هم شکست تا به عنوان قهرمان ملی آن دیار شناخته شود.

چیزی که حایز اهمیت است و آن را باید بدانیم این است که هیچگاه در قوانین رسمی ترکیه همجنسگرایی ممنوع نبوده است (2).

در شهرهای عموما توریستی ترکیه مانند استانبول، آیدین، کوش آداسی، آنتالیا، ازمیر، بدروم و مارماریس گرفته تا پایتخت آن آنکارا کلوپ های همجنسگرایان متعددی یافت می شود. در آن کشور سازمانهای فرهنگی همجنسگرایی فعالیت می کنند و نشریه های همجنسگرایی به آزادی چاپ و در دسترس علاقمندان قرار می گیرند. اما این شاید تنها یک روی سکه باشد. اما روی دیگر سکه چیست؟

همجنسگرایان ترک در خفا زندگی می کنند نه بطور علنی در جامعه. همجنسگرایی آنها در خانه اتفاق می افتد و یا در کلوپ های شبانه و یا گاهی در حمام های عمومی! این جملاتی بود که سخنگوی گروه Kaos GL در مورد جامعه همجنسگرایی کشور خویش گفته بود. اما دلایل ان چیست؟

همیشه بر این اعتقاد بوده ام که اگر کشوری بخواهد متحول شود باید از ریشه آن یعنی فرهنگ و از آن مهمتر ساختار مذهبی مردم آن شروع کرد. اما در ترکیه این موضوع از دولت آن شروع شد.

دموکراسی که درباره آن سخن گفته می شود یا همین مساله همجنسگرایی قانونی و آزاد و علنی شاید تنها در کتب قوانین ترکیه دیده شود. آزادی دینی در ترکیه یک قانون است اما آیا این قانون با وجود جمعیت 99.8% مسلمان آن چیزی بیگانه بنظر نمی رسد؟

در ماه رمضان اخبار شبکه سراسری تلویزیون ترکیه به این نکته اشاره کرد که چرا حرمت این ماه در ساحل توریستی آلانیا (120 کیلومتری آنتالیا) که یکی از مراکز مهم توریستی بخش مدیترانه ای ترکیه محسوب می شود با پخش موزیک و رقص در ساحل و گردش برهنه توریست ها در کوچه و خیابان شکسته می شود. و یا در هنگام پخش اذان از مناره های مساجد، گوش دادن به موسیقی عیب محسوب می شود و اگر هدفون در گوش کسی باشد آن را از گوشش در می آورند و به او تذکر می دهند ! ! !

در حال پخش اذان صدای تلویزیون ها بسته می شود و کسی پا روی پایش نمی اندازد.

شایان ذکر است که من هیچگاه حاضر به بی احترامی به هیچ دین و مذهب و فرقه ای و پیروانان آنان نیستم اما هر چه بیشتر سعی در آشکار کردن جامعه سنتی ترکیه را دارم. آن هم جامعه ای که لقب آزادی دینی و حکومت لائیک را بر دوش می کشد .

آری. این روزها اختلاف زیادی بین دولت دمکرات اتحادیه اروپا طلب وجود دارد و مردم. هر چه آزادی و مدرنیته هست مربوط به همان عکسهای روزنامه ها و شبکه های تلویزیون استانبول و همان چند شهر توریستی است .

اما ما پناهندگان را چه به آن شهرهای توریستی و روزنامه و تلویزیون ؟

در تمامی شهرهایی که پناهندگان همجنسگرا اقامت دارند آنها مورد ضرب و شتم و اذیت و آزار قرار گرفته اند. یکی را بخاطر موهای بلندش، دیگری را بخاطر حالت راه رفتنش یا شاید هم رنگ مو و نوع لباسش و یا حتی ناخن بلندش . . .

اما واکنش پلیس چه بود؟ سرپوش گذاشتن بر این حقایق تلخ تا حتی توهین و محکوم کردن ما همجنسگرایان !!! پلیس حتی به این باور اعتقاد دارد که عنوان می کند ما شما را از لحاظ قانونی حمایت می کنیم اما مردم کار خود را می کنند.

متاسفانه انتخاب شهر برای اقامت بوسیله پلیس ترکیه مشخص می گردد و سازمان ملل تنها با گفتن این جمله که " در حد اختیارات ما نیست " از این موضوع مهم بسادگی شانه خالی می کند.

تجربه نشان داده است. هر شهری که بافت سنتی و مذهبی تری دارد جای سخت تری برای اقامت ما همجنسگرایان خواهد بود.

اما آخر چرا با وجود این همه آمار اذیت شدن همجنسگرایان و عدم امنیت جانی باز هم آنها به چنین شهرهایی فرستاده می شوند؟

جواب این سوال را می دانم یا حداقل در مورد آن می توانم حدسی بزنم.

دانشگاه آزاد اسلامی ایران سعی در داشتن شعبه ای در هر یک از شهرهای ایران می کرد. اما بعضی از این شهرها انقدر مذهبی و بسته بودند که چند سال اول با دانشجو های آن دانشگاه بخاطر طرز پوشش و رفتار و در کل اختلاف در نوع فرهنگ به مشکل بر می خوردند و گهگاهی زد و

خوردهایی نیز اتفاق می افتاد. اما در عرض چند سال همه چیز تغییر می کرد و این فرهنگ آن شهر کوچک و سنتی بود که ارام ارام عوض می شد.

حال می توان حدس زد که فرستادن این همه اقلیت مذهبی مثلا به شهر مذهبی کایسری در ترکیه چه هدفی را دنبال می کند ...

تصور اینکه ترکیه با این سنت و مذهب بخواهد وارد اتحادیه اروپا شود شاید چیزی شبیه رویا باشد.

این را بدانید که پلیس و امنیت ترکیه به سازمان ملل این مساله را دیکته کرده که بسته به نوع ملیت پناهجو او در چه شهری می تواند اقامت کند.

به عنوان مثال با درخواست پناهجویان همجنسگرا با ملیت ایرانی برای اقامت در شهر اسپارتا (115 کیلومتری آنتالیا) مخالفت می شود اما یک پناهجو از سومالی به راحتی به این شهر جهت اقامت معرفی می گردد.

اگر بنا به دلایلی پناهجویان در ترکیه بخواهند شهر مورد اقامت خود را عوض نمایند با این درخواست پلیس روبرو می شوند : فامیل درجه یک!

بیان این مطلب از طرف آنها بیشتر به یک جوک شبیه است.

بسیاری از ما همجنسگرایان دیگر فامیلی در ایران خودمان نداریم چه برسد به این خاک غریب. ما بنا به گرایش جنسی که داشته ایم از کشور خود رانده شده ایم. چطور ممکن است ما در این دیار دور از وطن فامیلی داشته باشیم ؟

مگر اینکه قضیه همجنسگرایی در فامیل ما موروثی اتفاق افتاده باشد . یا اینکه !!!

این قانون در خدمت هر پناهجویی است غیر از پناهجوی همجنسگرا .

ما همجنسگرایان مانند اقلیت های مذهبی نیستیم که بصورت خانوادگی به ترکیه کوچ کنیم و چه در ترکیه و چه از خارج از آن حمایت شویم. بسیاری از ما با مشکلات بزرگی دست و پنجه نرم می کنیم. مشکلات مالی در صدر آنهاست و اما بلاتکلیفی زندگی پناهندگی را کجای قلبمان بنهیم؟

تا هنگامی که وقت پیش مصاحبه و مصاحبه هست انسان تکلیف خود را می داند که چه مقدار باید انتظار بکشد اما دیری نمی گذرد که فکر و خیال و تردید تمامی وجود انسان را فرا می گیرد انتظاری که هیچگاه مشخص نیست کی به اتمام برسد. بسیاری از پناهجویان در عرض کمتر از یک سال جواب خود را از سازمان ملل دریافت می دارند اما کشور هایی که به آنها معرفی می گردند با صبر و حوصله زیادی کارها را از پیش می برند .

برای هر کسی هیچکدام از این زمانها و منتظر شدن ها شبیه هم اتفاق نمی افتد. مهمترین دلیل افت روحی پناهجویان همان بلاتکلیفی و انتظار است. باید در این محیط بود و دید که چقدر روح انسان بی حوصله و کرخ می شود. متاسفانه این یک سریال تکراری است که برای همگی ما اتفاق می افتد. حال از افسرده شدن و گریه های شبانه و بی خوابی می گذریم. هر کدام از ما آنقدر از لحاظ عاطفی شکننده می شویم که با یک تلنگر در خود می ریزیم. آنقدر که حتی هنگام رفتن از این دیار و پرواز بسوی امید و آینده آنقدر شادمان نمی کند که شاید شکلاتی کوچک کودکی را شاد.

پای صحبت هر پناهنده ای که بنشینیم مساله ی بلاتکلیفی را بزرگترین مشکل در هنگام اقامت در ترکیه می داند و ارزوی کمتر شدن زمان رسیدگی به پرونده هایشان را دارند و بعد از آن مشکلات مالی و امنیت جانی.

متاسفانه مساله هموفوبیای (ترس – نفرت) جنسی از بعضی از جهات نسبت به ایران بیشتر خود را نشان می دهد . درست است که در ترکیه مانند ایران کشتار یا دستگیری همجنسگرایان را شاهد نیستیم اما باز هم همجنسگرایان روزگار سختی را پشت سر می گذرانند .

پانوشت ها :

---

(1) - http://en.wikipedia.org/wiki/Turkey

(2) - مجله ماها. شماره 7 . تیر 84 . صفحه15

گروه اقلیت و مدیریت تفرقه

آرشام پارسی

اقلیت یا گروه اقلیت، یک مفهوم جامعه‌شناسی است. معمولن گروه اقلیت گروهی است که اعضای آن توسط دیگران مورد تبعیض قرار می‌گیرند و در وضع نامناسب‌تری قرار دارند. اعضای گروه‌های اقلیت نوعی حس همبستگی گروهی و احساس تعلق به یک‌دیگر دارند؛ در نتیجه احساسات وفاداری و علایق مشترک بین آن‌ها معمولاً زیادتر است. و این اقلیت ها بوده اند که جنبش های اجتماعی را تشکیل و آنها را قوت بخشیده اند.

جنبش اجتماعی در اصطلاح دانش جامعه‌شناسی، هرگونه کوشش جمعی برای پیش‌برد منافع مشترک، یا تأمین هدف اصلی از طریق عمل جمعی خارج از حوزه ی نهادهای رسمی است. بعضی از جنبش‌ها در چهارچوب قوانین جوامعی فعالیت می‌کنند که در آن حضور دارند؛ در حالی که جنبش‌های دیگر به صورت گروه‌های غیرقانونی یا زیرزمینی فعالیت می‌کنند. اندازه جنبش اجتماعی بستگی به تعداد اعضای آن دارد؛ جنبش‌های اجتماعی کوچک، جنبش‌هایی هستند که اعضای آن‌ها کم‌تر از صد نفر است. جنبش‌های اجتماعی بزرگ، جنبش‌هایی هستند که هزاران یا میلیون‌ها نفر را در برمی‌گیرند. اعضای گروه اقلیت ها معمولن زیرساختارهای جنبش های اجتماعی را تشکیل می دهند تا با تبعیض هایی که آنها را تحت تاثیر قرار داده است، مبارزه کنند.

اکثریت و اقلیت یکی از آشناترین دسته بندی های اجتماعی-سیاسی است و نکته ی جالب اینجاست که این دسته بندی ها در تمام سطوح اجتماعی وجود دارد و یا در بیشتر موارد به وجود آمده است. در گروه اقلیت ها که بنا به تعریف جامعه شناسی آن همبستگی بین اعضا وجود دارد، این دسته بندی ها به عمد و با هدف تخریب جنبش اجتماعی آنها به وجود می آید. اعضای جامعه ی اکثریت به درون گروه اقلیت نفوذ می کنند و تلاش دارند که اکثریت بودن خودشان را همچنان حفظ کنند. و در نهایت جنبش های آزادی خواه اقلیت ها را قبل از اینکه فراگیر شوند، یا بی اعتبار می کنند و یا در نهایت از بین می برند.

جنبش دگرباشان ایرانی دگرگون ساز نیست بلکه در دسته بندی جنبش های اصلاحات قرار می گیرد. و معمولن هدف‌های محدودتری از جنبش های دگرگون ساز دارد و می‌خواهد تنها برخی جنبه‌های نظام اجتماعی موجود را تغییر دهد. این گونه جنبش ها به انواع ویژه‌ای از نابرابری یا بی‌عدالتی و تبعیض توجه نشان می‌دهند. جنبش‌های دگرگون‌ساز و اصلاحات هر دو خواهان تغییرات در سطوح جامعه‌اند؛ تفاوت اصلی این است که جنبش‌های اصلاحات یک فرآیند اجتماعی درازمدت را در برمی‌گیرد و جنبش های دگرگون ساز تغیرات سریع و فراگیر به همراه خشونت است که معمولن به انقلاب و تغییر ساختار جامعه ختم می شود.

با نگاهی اجمالی به تاریخ جنبش ها و مقایسه ی آن با شرایط کنونی در می یابیم که در بیشتر موارد مخالفان واقعی جنبش های اجتماعی در صف مقابل نایستاده بودند بلکه در میان حامیان آنها بوده اند. تجربه های تاریخی بیانگر این واقعیت است که کم هزینه ترین وضعیت برای مخالفان دمکراسی و آزادی خواهی این است که جنبش دچار چند دستگی و شکاف شود. در این صورت است که بدون پرداخت کمترین هزینه، دیگر نیازی به تیر برای قلع و قمع اصلاحیون نیست چرا که آنها بر شاخه نشسته اند و بُن می برند.

جمله ی معروف «تفرقه بیانداز و حکومت کن» یکی دیگر از ابزارهای مخالفان جنبش های اصلاحات است که متاسفانه در جامعه ی ما ایرانیان بیشترین محبوبیت و کارآیی را نیز دارد و آن «مدیریت تفرقه» است که امروزه در جامعه ی ایران به صورت مدام و به خصوص در فصل های انتخاباتی پر رنگ تر به چشم می آید.

متاسفانه جامعه ی دگرباشان ایرانی نسبت به دیگر گروه های اقلیت جامعه در خطر بیشتری قرار دارند زیرا که راه های بیشتری برای اغفال و نفوذ در آنها وجود دارد. سوء استفاده ی احساسی از دگرباشان موردی است که در چند سال گذشته به وفور مشاهده شده است. دگرجنسگرایان زیادی هستند که تنها برای نفوذ در جامعه ی دگرباشان و رسیدن به اهداف سیاسی-اجتماعی و یا قدرت طلبی، گرایش جنسی شان را مدام تغییر می دهند و این تغییر تنها در نام آن گرایش خلاصه می شود. دگرباشانی هستند که برای داشتن مقداری آزادی حاضر می شوند که دیگران را به نیروهای امنیتی معرفی کنند. افراد زیادی هستند که از صحبت کردن درباره ی حقوق دگرباشان ایرانی خشنود نیستند.

پس جامعه ی دگرباشان ایرانی باید بیش از پیش مراقب باشد زیرا هنوز در ابتدای راه است و اعتماد بی جا می تواند هزینه ی سنگینی را به آنها وارد کند.

Picture: Peter Welleman

www.funpx.com

یک همجنسگرا: من هم حق دارم

پارسا

همجنس گرایی امری است که در همه جوامع چه دینی و چه لاییک وجود دارد. برخی جوامع این امر را پذیرفته و دیدگاهی عادی نسبت به این مساله دارند اما در برخی از جوامع مانند کشور ما ایران نه تنها چنین دیدگاهی وجود ندارد بلکه برخی از مردم و حتی برخی از همجنسگرایان به این مقوله با دیدی کهنه و کوتاه اندیشانه نگاه کرده و در لفظ عامیانه خود از واژگان رکیک و تحقیر آمیزانه ای همچون"اواخواهر"و... استفاده می کنند.

در جوامع عقب افتاده و جهان سوم این مورد اجبار همجنس گرایان به ازدواج با جنس مخالف و یا خود کشی آنان را در پی دارد از سوی دیگر سردمداران این کشور ها رسانه ها و روزنامه های فرانو گرا و روشنفکر خود را به جرم مصاحبه یا به قول خودشان نشر اکاذیب توقیف کرده و از ایراد هر نطقی در این رابطه جلوگیری می کنند که متاسفانه این اقدامات در کاهش قدرت تحلیل و اندیشه صحیح آن جامعه نقشی عظیم دارد.

دلیل مخالفت دین با همجنسگرایی

"دکتر حسام فیروزی فعال سیاسی"، دلیل مخالفت برخی حکومت ها با این مساله را دین دانسته و دلیل مخالفت دین با این گرایش جنسی را نیاز مذهب به پیروان هر چه بیشتر میداند: "در رابطه دو جنس موافق و مخالف رابطه از راه دهانی و مقعدی حرام است چون از این راهها تولید مثل انجام نمی شود و همانگونه که گفتم ادیان به پیروان نیاز دارند خوب همجنسگرایی نیز به تولید مثل منتهی نمی شود پس دلیل مخالفت دین با این گرایش جز انکه این عمل سالب تولید مثل هر چه بیشتر و سبب

کاهش پیروان ان دین می شود نمی تواند باشد."

"مهران" همجنسگرا، که اتفاقی در یکی از پارک های شهر با او آشنا می شوم در این باره می گوید: "مگر نمی گویند همه آفریده های خداوند از روی حکمت است؟ مگر نمی گویند حتی شیطان هم از روی حکمت آفریده شده است؟ پس چرا ادیان مختلف همجنسگرایان را ذلیل می شمرند؟ مگر نمی گویند خداوند همه آفریده هایش را دوست دارد پس چرا پیش از آفرینش ما، همه ما را طرد کرد؟ آیا جز این است که من و امثال من محکوم به زندگی کردن هستیم؟"

همجنس گرا بیمار نیست

از دکتر فیروزی می پرسم آیا همجنسگرایی بیماری است؟

-"در اوایل قرون وسطا کسانی را که اقدام به این عمل می کردند یا آنان را درکلیسا مجبور به توبه می کردند یا به آنها اجازه حضور در مراسم مذهبی را نمی دادند در سده های بعدی همچنان بر شدت مجازاتهای آنان افزوده می شد اما پس از

پایان قرون وسطا و با وقوع انقلاب کبیر فرانسه و گسترش پرتو های روشنفکرانه آن کم کم این مورد عادی تر شد ولی در زمان جنگ دوم جهانی نازی ها همجنسگرایان را گروه گروه در کوره های آدم پزی می سوزاندند (هالو کاست) پس از آن نیز به

همجنسگرایی به عنوان یک بیماری روانی نگریسته می شد و همجنس گرایان را در تیمارستان ها بستری می کردند تا اینکه چند دهه بعد پزشکان

دریافتند که همجنسگرایی بیماری نبوده و اکنون سالهاست که این مورد از لیست بیماری ها پاک

شده، امروزه نیز یک روز از سال (؟) به عنوان روز همجنسگرایان شناخته شده و در این روز بسیاری از همجنسگراها به همراه جمع کثیری از دگرجنسگرایان که در مراسم شادی آنان شرکت می کنند روز آزادی خود را جشن می گیرند."

"دکتر سجاد پور" روانشناس نیز ضمن تاکید بر بیمار نبودن همجنسگرا نظریه ی"افرادی به جنس موافق گرایش پیدا می کنند که در کودکی با کمبود عاطفه پدر رو به رو بوده اند"را رد کرده و می گوید:"این امر از بدو تولد همراه فرد بوده و نه بیماری است و نه نقص که بخواهیم فرد دگرباش را ناقص یا بیمار به شمار آوریم."

تفاوت همجنسگرا و همجنس باز از زمین تا آسمان

دکترفیروزی برای بیان تفاوت همجنسگرا و همجنس باز تنها به این چند جمله اکتفا می کند: "همجنسگرایی در حد یک گرایش است اما همجنس بازی همانگونه که نام آن بیان می کند به وجود رابطه میان فرد و دیگر افراد همجنس خود اشاره دارد."

اما مهران که تاکید بر همجنسگرا بودن خود دارد و همجنس باز بودنش را نفی می کند در این باره تمثیلی را بیان می دارد: "من از شما یک سوال دارم اگر یک فرد دگرجنس گرا با جنس مخالف خود به شکل غیر شرعی رابطه داشته باشد در لفظ عامه او را چه خطاب میکنید؟ آیا او را با نامهایی جز دختربار یا خانم باز می شناسید؟ حال اگر همان مرد ازدواج کند و با همسر خود رابطه داشته باشد آیا باز هم او با این نامها مورد خطاب قرار می دهید؟ این مساله در همجنسگرایی نیز صادق است اصلا هر کسی با جنس موافق خود رابطه داشته باشد همجنس باز است حتی اگر دگرجنسگرا باشد! ولی اگر یک همجنسگرا بتواند ازدواج کند و دید جامعه نیز نسبت به او تغییر کند مسلما خواهد توانست زندگی سالمی داشته باشد و فساد نیز در آن جامعه کاهش

خواهد یافت ولی با این محدودیت ها بیماری ها مانند ایدز افزایش پیدا می کند و همجنسگرایی به یک معضل و یک نماد کثیف تبدیل می شود و دلیل آن جز همین عدم آزادی ازدواج همجنس گرایان نمی تواند باشد متاسفانه برخی ذهن خود را معطوف به

دین کرده اند و هیچ منطقی را هم نمی پذیرند و دین را منطق اصلی می دانند و می گویند خداوند آنها را ترد کرده ولی هیچ گاه از خود نمی پرسند چرا خدا آنان را ابتدا طرد کرده و سپس آفریدتشان؟ این سوالی است که برای خود من هم بی پاسخ است

ولی من هم حق دارم زندگی کنم ازدواج کنم و حتی عاشق شوم.!"

در دنیای مجازی (اینترنت) با جوانی که خود را "ارسلان" و دانشجو معرفی می کند برخورد می کنم وی همجنس باز است و در گفته های خود اذعان میدارد که برخی اوقات روزانه با سه یا چهار نفر هم رابطه داشته است! وی با هویت جنسی خود کنار آمده و می گوید: "در برخی شهر ها همجنسبازها محلی برای تجمع دارند همچنین برخی پارک ها هم هست که مختص همجنس باز هاست در واقع یعنی به محل تجمع همجنس بازها مشهور شده مانند پارک دانشجوی تهران، حتی دوستی داشتم که با یک ایتالیایی همجنس خود به طور غیر رسمی ازدواج کرد ولی پس از مدتی چون همسرش فوت کرد به ایران بازگشت."

کیوان

1- بیماری مقاربتی چیست؟

اصطلاح بیماری مقاربتی برای عفونتهایی استفاده می شود که از طریق تماس جنسی برقرار می شود. اما بعضی از عفونتهای جنسی از طرق دیگر؛ برای مثال از طریق خون می تواند سرایت کند.

2- چگونه شخصی مبتلا به عفونتهای مسری جنسی می شود؟

تماس جنسی با شخص مبتلا بدون حفاظت و گرفتن خون از شخص مبتلا منبع اصلی خطر آلوده شدن می باشد.

3- علائم معمول عفونتهای مسری جنسی چیست؟

عفونتهای مسری جنسی خاصی بدون نشانه می باشد: چیزی دیده و یا احساس نمی شود اما بیماری وجود دارد. در صورتی که در حالت ادرار احساس سوزش می کنید و اگر بر روی آلت تناسلی جراحت و یا جوش وجود دارد و یا اگر زخمهایی دارید که به راحتی درمان نمی پذیرند باید به فکر عفونتهای مسری جنسی باشید. خستگی اغلب در طول عفونت به وسیله ویروسهای مشخص (هپاتیت؛ اچ-ای-وی؛ .....) بوجود می آید. در صورت وجود بیماری مزمن مجاری ادرار ترشحات می تواند یک قطره کدر در صبح و یا ترشحات چرکی از مجاری ادرار (سر آلت تناسلی مردان)؛ آلت تناسلی زنان و یا مقعد باشد.

حتی اگر علائم به خودی خود از بین برود؛ بدین معنی نیست که غفونت از بین رفته است و مداوا الزامی است. پس از نزدیکی با شخصی جدید؛ در صورتی که این علائم در روزها؛ هفته ها و یا حتی ماه های بعد روئیت شود می بایست فوراً با پزشک مشورت نمایید.

4- آیا امکان ابتلاء به بیماریهای مقاربتی از طریق توالتهای عمومی وجود دارد یا خیر؟

خیر امکان ابتلاء به بیماریهای مقاربتی از طریق توالتهای عمومی وجود ندارد. بیماریهای مقاربتی و عفونتهای مسری جنسی از طریق خون؛ ترشحات آلت تناسلی و اسپرم منتقل می شود و نه از طریق تماس پوستی و یا توالت.

5- چه رابطه ای بین آلودگی از طریق عفونتهای مسری جنسی و اچ-ای-وی وجود دارد؟

به نظر میرسد که ابتلاء به بیماریهای مقاربتی جنسی مانند سفلیس؛ سوزاک و بیماریهایی که موجب جوشهای ناشی از ویروس و باکتری بر روی آلت جنسی مردان و زنان می شود؛ احتمال آسیب پذیری شخص را در صورت نزدیکی با اشخاص آلوده به اچ-ای-وی افزایش می دهد.

6- چگونه می توانم در مقابل عفونتهای مسری جنسی از خود محافظت کنم؟

تنها راه محافظت از عفونتهای مسری جنسی استفاده از کاندوم و پرهیز از آمیزش های پر خطر است.

7- آیا استفاده از کندوم برای محافظت در برابرعفونتهای مسری جنسی کافی است؟

اگر کاندوم درهنگام دخول جنسی لغزش و یا پارگی پیدا نکند؛ وسیله عالی برای محافظت در عفونتهای مسری جنسی می باشد.

8- آیاعفونتهای مسری جنسی قابل مداوا می شود؟

بلی. تمام عفونتهای مسری جنسی قابل تداوی است و اغلب آنها مداوای بسیار ساده ای دارند. تقریباً تمام عفونتهای مسری جنسی بدون به جا گذاشتن عوارض بعدی قابل مداوا می با شند. مشورت با پزشک و ادامه مداوا بدون وقفه تا پایان دوره معالجه و همچنین مطلع کردن همسر برای جلوگیری از آلودگی های بعدی الزامی است.

مفاهیم اصلی در مورد ایدز و اچ-آی-وی

1-ایدز چیست؟

کلمه ایدز مخفف "سندروم ابتلا به نقصان در سیستم مصونیت جسمانی" است و مسبب آن اچ-آی-وی است که به سیستم دفاعی بدن حمله کرده و باعث می شود که بدن در مقابل عفونتها نتواند از خود دفاع کند و در نتیجه تحت تاثیر بیماری های مختلف و انواع سرطان قرار گیرد. ایدز مرحله پیشرفته عفونت از طریق اچ-آی-وی است.

2- اچ-آی-وی چیست؟

کلمه اچ-آی-وی محفف "ویروس نقصان در سیستم مصونیت انسان" است. ویروسی که با حمله به سیستم دفاعی بدن مسبب بیماری ایدز می شود.

3- اچ-آی-وی از چه راههایی منتقل می شود؟

- انتقال جنسی

تقریباً در 80% موارد اچ-آی-وی از طریق رابطه جنسی منتقل می شود. رابطه جنسی محافظت نشده ازطریف واژن؛ مقعد و دهان

- استفاده از سرنگ مشترک

اچ-آی-وی همچنین از طریق استفاده مشترک سرنگ در تزریق مواد مخدردر رگ انتقال پیدا می کند.

- انتقال از مادر به فرزند

اچ-آی-وی ممکن است از طریق مادر آلوده به این ویروس در هنگام حاملگی؛ زایمان و یا شیر دهی به نوزاد انتقال یابد. امروزه راههای متعدد برای پیشگیری و کم کردن احتمال انتقال این ویروس وجود دارد.

4- پس از چند رابطه جنسی اچ-آی-وی انتقال می یابد؟

فقط یک بار رابطه جنسی محافظت نشده با شخصی که دارای اچ-آی-وی مثبت است کافی است تا شخص در خطر ابتلاء به این ویروس قرار گیرد.

5- آیا ریسک ابتلاء به این عفونت در رابطه جنسی محافظت نشده حتی در صورتی که اسپرم خارج نشود وجود دارد؟

بلی در هنگام دخول محافظت نشده حتی اگر اسپرم خارج نشود احتمال ابتلا به این بیماری وجود دارد.

6- آیا بوسیدن هم خطرناک است؟

اچ-آی-وی از طریق بوسیدن منتقل نمی شود حتی اگر زبان نیز به کار برده شود. تماس بدنی؛ نوازش و حتی استمناء خطری ندارد.

7- موارد دیگر بدون خطر چیست؟

- اچ-آی-وی از طریق توالتهای عمومی؛ سونا؛ استخر؛ گوشی تلفن؛ استفاده مشترک از حوله؛ چاقو؛ چنگال؛ قاشق و غیره سرایت نمی کند.

- اچ-آی-وی از طریق نیش حشرات از جمله پشه؛سوسک؛ کک و غیره ویا از طریق گاز گرفتن سگ و دیگر حیوانات اهلی سرایت نمی کند.

- اچ-آی-وی از طریق سرفه و عطسه شخص مبتلا سرایت نمی کند.

- اچ-آی-وی از طریق روابط اجتماعی مانند دست دادن؛ به آغوش کشیدن و لمس کردن شخص مبتلا سرایت نمی کند.

- اچ-آی-وی به مقدار بسیار کمی از طریق آب دهان؛ عرق؛ اشک و یا ادرار منتقل شود.

8- آیا رابطه بین آلودگی به اچ-آی-وی و بیماریهای مقاربتی وجود دارد؟

بلی به نظر می اید که ابتلا به بیماریهای مقاربتی از جمله سفلیس؛ سوزاک و بیماریهای که موجب پیدایش جوش بر آلت تناسلی می شود؛ احتمال آسیب پذیری شخص را در صورت نزدیکی با اشخاص آلوده به اچ-آی-وی افزایش می دهد.

9- آیا استفاده از کاندوم برای محافظت در مقابل اچ-آی-وی کافی است؟

در صورتیکه کاندوم در هنگام دخول جنسی لغزش و یا پارگی پیدا نکند؛ وسیله عالی برای محافظت در برابر اچ-آی-وی می باشد.

10- اگر بخواهم شخصی که با که با من رابطه جنسی دارد از کاندوم استفاده کند چگونه می توانم بر آن اصرار نمایم؟

مستقیماً به او بگوئید که بدون کاندوم با او رابطه جنسی نخواهید داشت. برای گفتن آن نگذارید تا میل جنسی به نقطه اوج برسد.

11- پس از یک تماس جنسی مشکوک برای گرفتن نتایج آزمایش چه مدت باید صبر کرد؟

آزمایش پادتن اچ-آی-وی (آزمایش ایدز) 3 ماه پس از تماس جنسی مشکوک نتایج مطمئن را نشان می دهد. در طول این مدت ارگانیزم بدن در مقابل این ویروس پادتن ایجاد می کند. نتیجه " مثبت" در آزمایش نشان دهنده این است که پادتن وجود دارد. به عبارت دیگر احتمال عفونت زیاد است. صحت این آزمایش باید با آزمایشی دیگر تائید شود. نتیجه منفی در آزمایش نشان دهنده این است که پادتن وجود نداشته ؛ به عبارت دیگر عفونت وجود ندارد.

12- شنیده ام که بعضی ناراحتیهای جسمی نشان دهنده این است که احتمال عفونت وجود دارد.این علائم چه می باشند؟

در حقیقت از 2 تا شش هفته پس از تماس جنسی مشکوک بعضی نارسایی های فیزیکی ممکن است مشاهده شود. علائمی از قبیل تب؛ بزرگ شدن غدد تیروئید و لنفاوی؛ تورم گلو؛ دردهای عضلانی؛ سر درد؛ اسهال و تهوع ممکن است باعث شود که بیمارفکر کند دچار سرما خوردگی و یا آنفولانزای خفیف شده است.

اما همانطور که ملاحظه می شود؛ این لیستی است که علائم مشترک در دیگر عفونتها را نیز نشان می دهد و فقط محدود به اچ-آی-وی و ایدز نمی باشد.

13- در مورد معالجات جدید بحثهای زیادی می شود. آیا معالجه ای برای ایدز وجود دارد؟

از سال 1996 معالجات پیوسته ضد اچ- آی-وی وجود دارد. این معالجات معمولاً پیشرفت این عفونت را به مقدارقابل توجهی آهسته می کند؛ اما این معالجات در درمان اچ-آی-وی موفق نبوده است. بنابراین تنها یک راه حل وجود دارد: همواره از خود محافظت کرده و پرهیز کنید.

14- در صورت مشکوک بودن به ایدز/اچ-آی-وی به کجا باید مراجعه کرد؟

برای گرفتن اطلاعات و مشاوره لازم می توان به مراکز مربوط در مراکز پزشکی مراجعه کرده و آزمایش اچ-آی-وی را انجام داد. می توان از خدمات مشاوره در این مراکز بدون دادن نام بهره برد.

اطلاعات اولیه برای پناهجویان در ترکیه

برگرفته شده از سایت رسمی سازمان ملل

جمهوری ترکیه

وزارت کشور

این نوشتار اطلاعاتی است در مورد اصول پناهندگی در ترکیه، مراحل حقوقی و خدمات اجتماعی.

پس از تصویب کنوانسیون 1951، ترکیه محدودیت جغرافیایی را انتخاب نموده است. این حق برای اجرای امور پناهندگی به کشورهای مورد قرارداد داده شده بود. بنابراین فقط اتباع بیگانه ای که از کشورهای اروپایی به ترکیه آمده و تقاضای پناهندگی نمایند میتوانند مطابق کنوانسیون 1951 به عنوان پناهنده شناخته شده، اقامت دائم در ترکیه داشته باشند.

اتباع بیگانه ای که از کشورهای غیراروپایی به ترکیه آمده اند تحت حمایت بین المللی قرار گرفته، به عنوان "پناهجو" دارای اقامت موقت در ترکیه می باشند. افرادی که به عنوان "پناهجو" از طرف دولت ترکیه شناخته شده اند و تحت حمایت می باشند، و بر اساس قانون کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد به عنوان "پناهنده" شناخته شده اند از طرف این سازمان در کشور دیگر اسکان داده می شوند.

در ابتدا شما باید به مقامات ترکیه مراجعه کنید. شما فقط با مراجعه به کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد نمی توانید مراحل پناهندگی در ترکیه را طی نمائید. بنابراین شما باید پس از مراجعه به مقامات ترکیه به کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد مراجعه کنید.

مطابق کنوانسیون 1951 زنو پناهنده کسی است که:

خارج از وطن خود باشد،

ترس موجه از مورد ظلم واقع شدن به دلیل نژاد، دین، ملیت، عقاید سیاسی و یا عضویت در یک گروه خاص اجتماعی داشته باشد، (همجنسگرایان عضو گروه های اجتماعی محسوب می شوند)

در کشور خود نتواند مورد حمایت واقع شود و یا به دلیل این ترس مایل به دریافت چنین حمایتی نباشد.

در صورت اقدام برای پناهندگی در ترکیه، پرونده شما بر اساس تعریف پناهندگی مطابق کنوانسیون 1951مورد بررسی واقع خواهد شد.

مقاماتی که برای پناهندگی می توانید به آنان مراجعه کنید

اگر از کشورهای اروپایی هستید و به صورت قانونی/غیرقانونی وارد ترکیه شده اید، باید به اداره امنیت شهر، بخش اتباع بیگانه در استانداری شهری که حضور دارید مراجعه نمائید.

باید در اسرع وقت تقاضای خود را انجام دهید.ً اسرع وقتً به این معنی است که در اولین وقت ممکن بعد از ورود به ترکیه درخواست خود را انجام دهید. لطفا به خاطر داشته باشید که در صورت اقدام در اسرع وقت، تقاضای پناهندگی شما مستندتر تلقی خواهد شد.

موضوعات مهمی که بعد از تقاضا باید بدانید

مقامات دولتی، تقاضانامه شما را گرفته و برای پر کردن فرم تقاضای پناهندگی با شما پیش مصاحبه انجام خواهند داد. از شما درخواست میشود که دلیل ترک کشورتان را با خط خود بنویسید. عکس و اثر انگشت شما را خواهند گرفت. در صورت داشتن مدرک دال بر مشکلتان میتوانید در وقت

مصاحبه و یا بعد از آن ارائه دهید. در پیش مصاحبه، اطلاعات اولیه مربوط به شخص شما و دلیل ترک کشورتان را خواهند گرفت و فرم پیش مصاحبه و تقاضای پناهندگی شما را پر خواهند کرد.

بعد از اتمام پیش مصاحبه تاریخ مصاحبه به شما داده خواهد شد. در صورت غیبت غیر موجه در روز مصاحبه، امکان دارد در مورد تقاضای پناهندگی شما با در نظر گرفتن فرم پیش مصاحبه و مدارک ارائه داده شده تصمیم گیری شود. به همین دلیل پیش مصاحبه و مصاحبه به شما این فرصت را میدهد که دلائل خود را برای تقاضای پناهندگی توضیح دهید.

بدین دلیل ارائه تمامی اطلاعات و مدلرک مربوطه به مقامات به نفع شما می باشد.

اگر مصاحبه کننده مرد است و شما زن هستید و یا بر عکس، شما میتوانید در خواست مصاحبه کننده مرد و یا زن بکنید.

اگر قادر به فهمیدن مترجم نیستید لطفا به مصاحبه کننده اطلاع دهید.

به جا آوردن موارد فوق نقش اساسی در بررسی تقاضای پناهندگی شما خواهد داشت.

صدور کارت شناسائی و اجازه اقامت

مقامات دولتی در مدت 15 روز برای شما کارت شناسائی صادر خواهند کرد. بعد از آن به شما اجازه اقامت داده خواهد شد.

پرونده شما از طرف استانداری و یا وزارت کشور مورد بررسی قرار خواهد گرفت. نتیجه آن به صورت کتبی به شما ابلاغ خواهد شد. اگر به عنوان پناهنده شناخته شوید، اجازه اقامت شما تمدید خواهد شد. امکان دارد شما را به شهر دیگری غیر از شهری که در آن تقاضای پناهندگی کرده اید انتقال دهند. در صورت داشتن فامیل و یا آشنای پناهجو و یا پناهنده در ترکیه، این مسئله را در طول مصاحبه به اطلاع برسانید. امکان دارد شما را به شهری که آنها در آنجا اقامت دارند بفرستند.

اگر از کشور غیراروپایی هستید، وزارت کشور تقاضای شما را برای ثبت نام به کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد انتقال خواهد داد. کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد مراحل کاری انتخاب کشور سوم را برای کسانی که به عنوان پناهنده شناخته شده اند انجام خواهد داد.

در صورتی که نتیجه پرونده شما منفی باشد، شما می توانید به رای صادره اعتراض کرده، مدارک دیگری را که برای اعتراض شما مفید باشند ارائه دهید.

در صورتی که نتیجه پرونده شما منفی باشد به شما اطلاع داده خواهد شد که ظرف چه مدتی می توانید اعتراض خود را ارائه دهید.

در صورت رد نهایی تقاضای شما، پرونده شما در چهارچوب قوانین عمومی اتباع بیگانه ارزیابی خواهد شد. در صورتی که مشخص شود که بازگشت شما به کشورتان خطری در پی دارد، به شما اجازه اقامت تحت عنوان حمایت فرعی (کمکی) داده خواهد شد.

به علاوه، در صورتی که تقاضای اقامت بشردوستانه نمائید، تقاضای شما مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. در صورتی که تمام راه حلهای قانونی با نتیجه منفی به پایان برسد، اشخاص رد شده می بایست ظرف 15 روز کشور ترکیه را ترک کنند. در صورتی که خودتان ویزا بگیرید، امکان دارد اجازه خروج از کشور ترکیه به شما داده شود.

در صورت رد نهایی تقاضای پناهندگی، مطابق با قانون اساسی جمهوری ترکیه شما می توانید به دادگاه اداری مراجعه کنید. در طول این مدت به شما اجازه اقامت در ترکیه داده می شود.

حقوقی که در طول مدت اقامت در ترکیه می توانید از آنان بهره مند شوید

1- برای درمان پزشکی به بخش اتباع بیگانه مراجعه کنید تا شما را به سازمان مربوطه ارجاع نمایند. مصارف پزشکی شما را دولت ترکیه می پردازد.

2- شما می توانید تقاضای کمک برای مواد غذایی، سوخت، پول نقد و لباس از مراکزی مانند شهرداری، هلال احمر ترکیه، بنیاد امداد و همبستگی و همچنین سازمانهای خصوصی شهری که در آن اقامت دارید بنمائید. آدرس این مراکز را می توانید از شعبه اتباع بیگانه دریافت نمائید.

3- طبق ماده 222 "قانون آموزش"، تحصیل برای کودکان در سطح ابتدائی اجباری می باشد. بنابراین شما باید فرزندان بین سنین 6-14 را در مدارس ثبت نام نمائید. در صورت تمایل می توانید از تحصیل در دوره متوسطه و بالاتر بهره مند شوید.

4- طبق قانون اجازه کار برای اتباع بیگانه، قانون شماره 4817، اتباع بیگانه که دارای 6 ماه اقامت هستند میتوانند برای دریافت اجازه کار به وزارت کارمراجعه کنند. شما در صورتی میتوانید در ترکیه کار کنید که وزارت کار به شما اجازه کار بدهد.

5- در صورت پذیرفته شدن به عنوان پناهنده و پس از انجام مصاحبه مالی با مامور کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد، شما میتوانید از کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد در خواست کمک اجتماعی کنید.

6- در صورت مواجه شدن با هر مشکلی و یا داشتن احتیاج به اطلاعات بیشتر در مورد موارد فوق، میتوانید از مامورین بخش اتباع بیگانه درخواست کمک کنید.

شما موظف هستید در طول اقامت خود در ترکیه از قوانین ذیل پیروی کنید

1- شما موظف هستید در طول اقامت خود در ترکیه از قوانین کشور پیروی کنید. عملکردهای خلاف قوانین کشوری امکان دارد در موقع بررسی درخواست شما مورد توجه قرار گیرد.

2- شما موظف هستید وظیفه امضاء خود را در روزهای تعیین شده در شهر محل اقامت خود به جای بیاورید.

3- در صورتی که آدرس خود را در شهر محل اقامت خود تغییر دهید، باید سریعا مامورین مربوطه را مطلع سازید.

4- در صورتی که شهر محل خود را بدون اجازه ترک کنید و یا وظیفه امضاء خود را به جای نیاورید، این امر امکان دارد در بررسی درخواست شما تاثیر داشته باشد.

پاسخی برای مطلب "پیشنهاداتی برای آینده ی جنبش دگرباشان"

با درود بر شما یاران گرامی

نخست شایسته است به خاطر انتشار نشریه بسیار سپاس گذاری کنم. نوشتاری که بسیار برای خود من جالب و آموزنده بود در این شماره و به قولی بسیار به دلم چسبید، نوشتار " **مردان دگرجنسگرایی که با مردان هم جنس خود سکس دارند** " است که باز هم قدردانی می کنم از برگردان این پژوهش که بسیار سودمند بود.

در حقیقت چیزی که مرا وادار کرد تا برایتان این نامه را بنویسم، نامه ی دوست عزیزی بود که پیشنهاداتی را برای آینده ی دگرباشان ایرانی داده بودند. ترجیح دادم به جای آنکه تنها یک خواننده باشم، گوینده ای باشم که دیدگاه های شخصیم را نیز بیان کنم.

دوست عزیزشما در تکه ی نخست سخنانتان اشاره کردید که " *همانگونه که مستحضرید و قطعا سالها با پوست و گوشت خود لمس نموده اید ، "همجنسگرایی" یا "دگرباشی جنسی" یک اصطلاح سیاسی، فلسفی و یا اجتماعی نیست، بلکه یک حقیقت انسانی است که ریشه در عمق وجود آدمی دارد. همجنسگرایان نیز یک تشکل حزبی یا ارگان اجتماعی یا سیاسی نیستند، بلکه انسان هایی هستند مانند همه انسان ها، که بدون داشتن یک علامت مشخص ظاهری در میان مردم زندگی می کنند و تنها به دلیل دارا بودن یک ویژگی و گرایش ذاتی که در به وجود آمدن آن نقشی نداشته اند، در اکثر مواقع در معرض رنج و تعب می باشند. با این توجه، مسلم است که هر حرکتی در جهت کسب حقوق این قشر از انسان ها، باید عاری از هرگونه اعمال سلیقه خاص شخصی، سیاسی، مذهبی و ... بوده و حتی به هیچ کشور، اتحادیه ای از کشورها و یا حتی به یک قاره یا یک تمدن خاص وابستگی نداشته باشد. تنها باید به جنبه انسانی همجنسگرایی بپردازد تا بتواند به ماکزیمم موفقیت رسیده و جایگاه قابل اعتماد خود را در میان این قشر زجرکشیده پیدا نماید. من معتقدم همجنسگرایان، آنقدر دغدغه های روحی و جسمی و مشکلات عاطفی - احساسی دارند که توان یک کارمبارزاتی یا سیاسی را ندارند و اگر هم داشته باشند انگیزه کافی برای این کار ندارند* "

بله، من نیز بر همین باورم که دگرباشی یک واژه با کاربرد سیاسی نیست بلکه تنها بیان کننده گرایش جنسی افراد است و صد البته ها که بازگو کننده یک حقیقت انسانیست که همواره و در سرتاسر تاریخ این کره ی خاکی وجود داشته ولی انکار می شده و مورد توجه قرار نمی گرفته، سرکوب می شده و زیر تیغ سانسور تکه تکه شده و هویت و سرشت خود را از دست می داده که البته از دیدگاه خود من سنگینی این اشتباه در ترازو بیشتر در کفه ی مذهبیون است چراکه همواره مذهبیون بوده و هستند که راهکار زندگی ارئه می دهند و آن را چماغی می کنند و در سر من و شما می کوبانند و به نام خدا و دستور های او و دین و ایمان انسان های دیگر را زیر سلطه و فرمانبرداری خود گرفته و آنها را به مانند گله ی گوسپندانی می انگارند که نیاز به یک چوپان و یا نگه بان دارد. این نقطه ی سرازیری و وارونگی مذهب است که درک و شعور و شخصیت انسان ها را لگدمال می کند. گوناگونی های جنسی هم اگر امروزه هنوز مورد تهاجم و تاخت و تاز قرار می گیرند، تنها و تنها به خاطر وجود این گونه کنش های مذهبی و در نتیجه فرهنگی است. باری سخن گفتن درباره جسارت ها و دخالت های مذهب در روند طبیعی زندگی همه ی ماها داستانیست که سر دراز دارد و در این نشریه جای بیان آن نیست. باز می گردیم به موضوع اصلی، لپ سخن شما آنگونه که من دریافتم این است که *آقا جان مشکلات دگر باشان با سیاست آشنان در یک جو نمی رود و نمی شود حقوق دگرباشان را از راه بیان سیاسی آن بدست آورد*. بله، مشکل من با سخن شما دقیقن در همین جاست چراکه من بر این باورم که آن چیزی که شخصی انگار می شود برای من و شما خاه ناخاه جنبه ی سیاسی نیز پیدا می کند چراکه سرچشمه گرفته از فرهنگ است و به هیچ روی نمی توان سیاست و فرهنگ را جدایی از یکدیگر انگارید. من و شما اگر شیوه ی خودمان را برای زندگی گزینش می کنیم، داریم از حق طبیعی خودمان بهره می بریم حالا اگر در این میان رژیمی بیاید و ما را بالای چوبه ی دار بفرستد یا با جراحی ها و دیگر عمل ها و واکنش های غیر انسانی تلاش در عوض کردن شیوه ی زندگی ما بکند، دیگر این زندگی ما تنها شخصی نیست بلکه حالا جنبه ی سیاسی نیز پیدا کرده. اگر افراد زیادی درویش وار زندگی کنند و یا کم خوری کنند و همیشه به پایین ترین کف زندگی خود

قانع و راضی باشند تا جایی که پوستشان بر استخان چسبیده و شکم تو رفته و کمرشان کوژ شود و افرادی نیز آنقدر بخورند و بلمبانند که روز به روز روده هایشان درازتر و دراز تر شود، صد در صد، شک نکن دوست من که اینگونه جهت گیری ها نیز در راستای دیکتاتوری و زور گویی و گردن کلفتی حاکمان قرار می گیرد، چنانکه امروزه در ایران به وضوح شاهد این رویداد هستیم. ایرانیان روز به روز فقیر تر و بسته تر می شوند و در عین حال روز به روز رام تر. (البته در این میان باید حساب **فعالین** سیاسی و مدنی و در کل جامعه ی مخالفین **فعال** را جدا کرد) حال دگرباشان که جای خود را دارند و **فعالین** این گروه ها که باید به هر دو روی سکه (سیاسی- فرهنگی) توجه داشته باشند.

اگر ما، همه ی ما می خاهیم که دید جامعه به موضوع دگرباشگی تغییر کند و قوانین زورگویانه و ستم پیشگی موجود از بین برود باید همگی دست در دست هم تلاش بر به زیر کشیدن حکومت حاکم کنیم که در نتیجه ی فرهنگ حاکم نیز هم راستا با آن از میان خاهد رفت و آن هنگام است که همه ی گونه های جنسی می توانند با آرامش در کنار یکدیگر روزگار سپری کنند و رسمی باشند و دارای هویتی مشخص. این قوانین در **سیاست مذهبیه دیکتاتوریه** ما ثبت شده و برای تغییر آنها تنها و تنها باید از راه خودش وارد شد چراکه در غیر این حالت مجبور می شویم به قولی گفتنی کوتاه بیاییم و قانع باشیم به چیز های اندکی که داریم و یا شاید آنها که بهمان بدهند و آن هنگام است که ما می شویم به مانند همان انسان پوست بر استخان چسبیده ی رام و ساکت که هر آنچه بهمان می گویند سر خم می کنیم و **در عوض فواداریمان** شاید اندکی هم حق زندگی، و **ان هم نه آنگونه که می خاهیم** جلویمان پرت کنند. راه آمدن با اینگونه حکومت ها به مانند از دست دادن هویتمان است و به مانند خرد شدن آن است و به مانند لگد مال و له شدن آن است، چراکه اینگونه رژیم ها بر پایه مذهب هستند و تنها منطق شناخته شده در مذهب ، خود مذهب است و بس. اگر مذهب در دل انسان ها باشد، اگر تنها و تنها شخصی باشد و در زندگی روز مره و قضاوت ها و دیدمان دخالتی نداشته باشد، کسی با آن مخالف نیست چراکه هر کسی آزاد است هر گونه که **شایسته خود** می داند زندگی کند ولی اگر مذهب پتک شد و ویا تیغه ی چاقو، آن هنگام است که برنده می شود و به جراحی افکار و باورهای دیگر انسان ها می رود. بهتر است خودمان را گول نزنیم چراکه اگر شما را که یک دانشجوی 25 ساله ساکن ایران هستید را به خاطر همین نوشتاری که در این نشریه نوشتید دستگیر کنند آن وقت می برندتان به جایی که تازی نی انداخت چراکه به دید آنها شما فعالیتی سیاسی کرده اید برای بر اندازی و سست کردن پایه های حکومت و دینشان.

نکته ی دیگری که می خاهم به آن اشاره کنم این است که شما می گویید " *من معتقدم همجنسگرایان، آنقدر دغدغه های روحی و جسمی و مشکلات عاطفی - احساسی دارند که توان یک کارمبارزاتی یا سیاسی را ندارند و اگر هم داشته باشند انگیزه کافی برای این کار ندارند*" البته که شما می توانید بر باور خود باشید همان گونه که خودتان گفتید که " ***من*** *معتقدم*" پس **من** تنها کنش و دیدگاه خودم را در باره این سخن شما می گویم و نه می خاهم آن را رد کنم و نه کم ارزش. ببینید دوست عزیز داشتن دغدغه و گره های روانی و روحی در زندگی همه ی آدم ها وجود داشته، دارد و خاهد داشت و این تنها ویژه ی دگرباشان نیست (خاه حتا در باره مسائل دگرباشان باشد) مگر می شود فردی بدون این چیز ها زندگی کنند پس بیان این موضوع به هیچ روی **توجیح** نیک و مناسبی نیست برای نداشتن توان مبارزاتی. هیچ چیز را نمی شود بدون تلاش بدست آورد. ساده ترین آموزه ی زندگی هر انسانی این است که هرگز نباید از حرکت و تکاپو باز ایستاد. حرکت و تکاپو یعنی تلاش و مبارزه برای آنچه که می خاهیم، **دقیقن هر آنچه که می خاهیم**. من و شما اگر ادعا کنیم که دیگر انگیزه ی کافی برای این کار را نداریم پس نمی توانیم ادعا کنیم که داریم هر لحظه نفس می کشیم، پس ما مرده ایم. تنها انسان مرده است که انگیزه ای ندارد برای ادامه کار چراکه شاید دیگر کاری برایش نمانده که انگیزه ای بخاهد برای ادامه اش.

ما هنوز در قدم های نخست هستیم، اکنون زمان آن نیست که دست بر زانو بگیریم و نفس زنان خود را به گوشه ای خاکی و دور از جاده برسانیم. ما تازه داریم شروع می کنیم، پس جوانی سنتان کجا رفته؟! شما 25 سال که بیشتر ندارید، تازه شاید چند سالی باشد که به گرایش جنسی خود پی برده اید، به این زودی فرسوده شدید؟! به یاد سخنی از امرسون افتادم که چه زیبا نیروی زندگی و تلاش را در انسان بر می انگیزد : "*آزادی هیچ گاه انتظار ما را ندارد. ما باید در طلبش از دل و جان مایه بگذاریم، چه در هیچ جایی از زوایای تاریخ سراغ نداریم که آزادی و دموکراسی آسان و ساده بدست آید*" داوری با شماست دوست من که تا پایان این نوشتار را خاندید و با من همراه بودی. آزادی حقیقی آن است که آنچه را که حق داریم بکنیم. به وجود خود افتخار کنید و هر لحظه به زندگی زیبا تر بنگرید. کافیست چشمانتان را باز کنید آن هنگام است که می بینید انگیزه های

زیادی هستند برای ادامه استوارانه ی راه. **هر چیز هر قدر هم دشوار و دور باشد ولی قابل دست یافتن است.**

در پایان از سرپرستان نشریه سپاس گذاری می کنم که اجازه دادند دیدگاهم را بازتاب دهم و در خاست می کنم که در شماره های بعدی نوشتار های بیشتری پیرامون گوناگونی های جنسی بنویسید.

باسپاس

شاد باشید همواره شادی کنید

ما هستیم

امید

به سال سی ما گشتیم سرود تازه ای جستیم
بر آن اهریمن تازی شعار نیك ما هستیم

بپاخیزید سرداران بپاخیزید هوشیاران
همی دشمن بود حیران به بانگ و ساز بیداران

به هر کوی و به هر برزن بنا سازید این پیمان
صدای پای آزادی به گوش مردم ایران

در کنسول تازیها به تابستان چها کردیم
اگر تعدادمان کم بود به کوشش اقتدا کردیم

برای بستن پیمان سر خاك شهیدامان
ندا دادیمشان هستیم گذشته از سر و از جان

همه خواهان حق خویش ازاین مافیا بودیم
بسی بیش از سه دهه پیش با هم همصدا بودیم

به یاد می آورم آن روز بارانی
شلوغی پاسارگاد را چه عهدی و چه پیمانی

خلاف عهد نا اهلان زدیم یکباره فریاد
غرورماست چغازنبیل و طوس و دشت پاسارگاد

به یاد می آورم نان می گرفتیم
که ساعتها به صف جان می گرفتیم

چه خوش می گوید این خویی خوش گفتار
امید همه ما بود سرود او در این پیکار

حمایتهاي این یاران خوش پندار پاك ما
همی عشق و وفای این وفاداران به خاك ما

به عزم کار ما افزود در این ویرانه تاریك
طلوع صبح آزادی به عزم ما بود نزدیك

تو نوری زاده ایران ستوده های خوش پیمان
کرمانشاهی و ای نایب رییس دفتر کیهان

بلوچ و پهلوان گروه کوروش و آرش
همایون یار با ایمان ببار بر دشمنان آتش

تو داوود پهلوان و پاسبان میهن مایی
تو کیکاووس خاری بر دو چشم دشمن مایی

ضیا ای مهربان خوزی گذر شد فصل خاموشی
تو هم مانند داوودم لباس رزم می پوشی

تو ای سرباز کوه بختیاری درفش کاویان ای راد مردان
گروه بابك ای زیبا دلیران

همه هم سنگران گویید ایران

همه یکپاره فریادیم همه یکپاره بیدادیم
شتابان از دل و از جان سرودی تازه سر دادیم

به یاد آریم کشتار سیاه دیو ایران را
مکن هرگز توای فرزند کوروش ترك میدان را

به یاد آریم همه میهن پرستان تیرباران را
سکوت تلخ دنیا را به اعدام هزاران را

به یاد آریم چه بد یاران ما رفتند
به گمنامی به خاك خاوران خفتند

به یاد آریم مرگ لاله ها در جویباران را
چه بد دیوان نهادند زیر پا حرمت انسان را

کنون هنگام فریاد است همه پابند این تصمیم
شعاری اینچنین برا همه گوییم ما هستیم

همه گوییم ما هستیم دگر این ترس را کشتیم | براین خُسران واستبداد از این زندان خود رستیم

همه گوییم ما هستیم دگر پیمان خود بستیم | وطن را سخت خواهانیم بر آزادیش مستیم

همه گوییم ما هستیم لباس رزم خود بستیم | بر این دیوان اهریمن چه چیزی به ز ما هستیم

همه هستیم ما هستیم ما هستیم همه تا پای جان هستیم

شورای حقوق بشر همجنسگرایان ایرانی اعلام موجودیت کرد

www.IranHomoUnion.net

info@iranhomounion.net

در شصتمین سالگرد اعلامیه ی جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد که به سال جرم زدایی از همجنسگرایی نام گذاری شده است، در دهم دسامبر دو هزار و هشت، شورای حقوق بشر همجنسگرایان ایرانی با هدف گسترش حقوق بشر همجنسگرایان تشکیل شد.

الف) اهداف شورای حقوق بشر همجنسگرایان ایرانی

1. تلاش در گسترش و رعایت حقوق بشر در ایران برای جامعه ی دگرباشان ایرانی
2. تلاش برای اتحاد و هدفمند کردن سازمان ها، گروه ها و تشکیلات دگرباشان ایرانی
3. تلاش برای جرم زدایی از همجنسگرایی در ایران
4. انجام برنامه های مشترک و هدفمند برای رعایت حقوق همجنسگرایان
5. آگاهی رسانی و تلاش در نشر و ترویج فرهنگ پذیرش اجتماعی همجنسگرایان

ب) اعضای شورای حقوق بشر همجنسگرایان ایرانی

1. آرشام پارسی مدیر سازمان دگرباشان ایرانی (IRanian Queer Railroad)
2. آریا ایران آرا مدیر بنیاد همجنسگرایان ایرانی (Iranian Homosexual Foundation)
3. مانی زانیار مدیر سازمان دفاع از حقوق همجنسگرایان ایرانی (Iranian LGBT Human Rights Organization)

پ) ساختار اداری شورای حقوق بشر همجنسگرایان ایرانی

1. شورا با حداقل سه عضو ثابت خود فعالیت رسمی اش را می تواند شروع کند.
2. هر کدام از اعضا باید یکی از مسئولیت های رئیس، معاون هماهنگ کننده و دبیر شورا را به عهده بگیرند.
3. در صورتی که سازمان، گروه و یا تشکیلاتی مایل به عضویت و یا همکاری با شورا باشند باید درخواست خود را به صورت کتبی برای دبیر شورا ارسال نمایند و اعضای ثابت باید نسبت به عضویت آنها با توجه به آئین نامه ی داخلی شورا توافق نظر کامل داشته باشند.
4. در صورت نیاز اعضای شورا می توانند در جلسات رسمی خود اساسنامه را اصلاح و تکمیل نمایند.

ت) رئیس شورای حقوق بشر همجنسگرایان ایرانی

1. رئیس شورای حقوق بشر همجنسگرایان ایرانی با رای اعضای ثابت و برای مدت چهار ماه انتخاب می شود و تنها می تواند دو دوره ی متوالی این مسئولیت را داشته باشد.
2. وظیفه ی رئیس شورا تحقق سیاست های کلی تصویب شده در جلسات شورا می باشد.
3. رئیس شورا باید بر فعالیت های اعضای شورا و ایجاد بستری مناسب برای فعالیت های مشترک آنها نظارت داشته باشد.

4. رئیس شورا مدیریت جلسات شورا را به عهده دارد و در صورت لزوم می تواند درخواست جلسات اضطراری کند.

ث) معاون هماهنگ کننده ی شورای حقوق بشر همجنسگرایان ایرانی

1. معاون هماهنگ کننده ی شورای حقوق بشر همجنسگرایان ایرانی با رای اعضای ثابت و برای مدت چهار ماه انتخاب می شود و تنها می تواند دو دوره ی متوالی این مسئولیت را داشته باشد.

2. وظیفه ی معاون هماهنگ کننده بررسی و یافتن موضوعات قابل پیگرد در شورا و پیشنهاد آن در جلسات می باشد.

3. معاون هماهنگ کننده می بایست با مشورت گرفتن از جامعه ی دگرباشان ایرانی، موضوعات مورد اختلاف و یا نگرانی های موجود را به شورا منتقل کند.

ج) دبیر شورای حقوق بشر همجنسگرایان ایرانی

1. دبیر شورای حقوق بشر همجنسگرایان ایرانی با رای اعضای ثابت و برای مدت چهار ماه انتخاب می شود و تنها می تواند دو دوره ی متوالی این مسئولیت را داشته باشد.

2. وظیفه ی دبیر شورا تهیه ی صورت جلسه و گزارش فعالیت ها جهت ثبت و انتشار مصوبات شورا است

3. دبیر شورا مسئول روابط عمومی و پاسخ گویی به ایمیل های شورا می باشد.

د) ساختار اجرایی شورای حقوق بشر همجنسگرایان ایرانی

1. شورای حقوق بشر همجنسگرایان ایرانی یک نهاد مستقل حقوق بشری است و به هیچ گروه سیاسی، اجتماعی و مذهبی وابستگی ندارد و فعالیت های خود را فراجناحی انجام می دهد.

2. شورا برای انتشار مصوبات و بیانیه های خود از ندا، نشریه دگرباشان ایرانی استفاده خواهد کرد.

3. سازمان ها و گروه های عضو شورا به صورت مستقل اداره می شوند و عضویت در شورا به معنی ادغام آنها نمی باشد.

4. تمام تصمیم گیری های شورا باید در جلسات رسمی اتخاذ شود.

5. تمام مکاتبات شورا باید از طریق آدرس ایمیل ویژه ی شورای حقوق بشر همجنسگرایان ایرانی صورت پذیرد.

ذ) ساختار مالی شورای حقوق بشر همجنسگرایان ایرانی

1. فعالیت اعضای شورا به صورت داوطلبانه شروع شده است و در قبال انجام این فعالیت ها دستمزدی دریافت نمی کنند.

2. در صورت نیاز به اختصاص منابع مالی جهت انجام مصوبات، شورا موظف است که بودجه ی مورد نیاز را به صورت پروژه ارائه و منتشر نماید.

3. شورا می تواند از تشکیلاتی که برای گسترش حقوق بشر حمایت مالی بدون تعهد می کنند، درخواست کمک نماید.

4. شورا باید گزارش مالی پروژه را حداکثر یک ماه پس از اتمام آن جهت اطلاع عموم منتشر نماید.

ر) انحلال شورای حقوق بشر همجنسگرایان ایرانی

در صورتی که اعضای شورا فعالیت های انجام شده را موثر تشخیص ندادند و در جلسات رسمی تصمیم به انحلال شورای حقوق بشر همجنسگرایان ایرانی گرفته شد با انتشار بیانیه ای آن را رسما منحل می کنند.

هومان – اولین مجله ی همجنسگرایان ایرانی (توسط سازمان دگرباشان ایرانی به صورت الکترونیکی منتشر خواهد شد)

ماها - مجله ی الکترونیکی همجنسگرایان ایرانی

Majaleh_maha@yahoo.com

چراغ – نشریه ی دگرباشان جنسی ایرانی

www.cheraq.net

info@irqr.net

رها – رادیو همجنسگرایان ایرانی

www.radioraha.net

info@radioraha.net

دلکده - ماهنامه ی ادبی همجنسگرایان ایرانی

delkadeh@gmail.com

رنگین کمان – فصلنامه ی دگرباشان ایرانی

majalehranginkaman@gmail.com

همجنس من – نشریه ی لزبین های ایرانی

hamjenseman@gmail.com

ندا – نشریه ی دگرباشان ایرانی

www.nedamagazie.net